

بدون مجوز و خودسر!

تجمع بزرگ

اجازه نمی‌دهیم



رسول منتجب نیا در گفت و گو با «آیت ماندگار» مطرح کرد: خودسرها و تندروها به دنبال تشنج هستند!

گروه سیاسی - علی فراهانی: در چند ماه اخیر رفتارها و حملاتی از سوی تندروها نسبت به اشخاص سیاسی صورت گرفته است و حتی با فراتر نهادن و در پی اعدام ناجوانمردانه شیخ نمر توسط رژیم آل سعود در اقدامی دور از موازین بین المللی و قانونی به سفارت خانه عربستان حمله بردند که می تواند تبعات جبران ناپذیری برای نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی داشته باشد. ...

۲۰۲



چرا لاریجانی مستقل آمد؟
جدایی رئیس مجلس از اصولگرایان

۲

اعتدالگرایان در مسیر مطالبات مردم



داریوش قنبری
عضو حزب مردم سالاری

۲

قانون‌گرایی؛ مبنای کار اصلاح‌طلبان



یدلا... اسلامی
نماینده سابق مجلس

۲

آیت ماندگار

ayatemandegar
biweekly

چهار صفحه
قیمت: ۲۰۰ تومان
No: 8. The first half of Jan. 2016
Political, Social

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
شماره ۸
نیمه اول دی ۱۳۹۴
سال اول

سرمقاله

دمکراسی زیر سایه خلیفه!



محمد سعیدی
روزنامه نگار

خاورمیانه آزمایشگاه نظریه‌های شکست‌خورده سیاسی است. فرآیندی که مثل سیل به سمت اروپا جاری هستند، دولت‌هایی که هر روز جایی را بمباران می‌کنند و شورشیانی که روزی را بدون کشتار نمی‌گذرانند این را ثابت می‌کند. جالب اینکه هنوز هم رویای دموکراسی از سر کسانی که خیال بهبود اوضاع را دارند بیرون نمی‌رود. دو قرن قبل دوران لیبرالیسم بود که البته چیزی از آن به خاورمیانه و شیوخ قدیمی‌اش نرسید. قرن قبل، قرن سوسیالیسم بود. مکتبی که در اروپا ساخته شد و زمانی که به خاورمیانه رسید با دیکتاتورهای نظامی و تعصب‌های قبیله‌ای ترکیب شد. با اولین خیال‌پردازی‌های جامعه برابر؛ حکومت‌های موروثی خاورمیانه از هجوم کمونیست‌ها به هراس افتادند و می‌خواستند با هر روشی که می‌توانند حکومت فاسد و عقب‌مانده خود را حفظ کنند. این راه‌حل‌ها از سر کوب جوانان نوگرا شروع شد و تا سوسیالیسم دستوری و نظامی گسترش پیدا کرد. عراق و سوریه و مصر با احزاب بعث نمونه واضح این تجربه‌ها هستند. آن زمان بود که کمونیسم، چپ‌گرایی، خلق‌های قهرمان و هرچه که نامی از مبارزه داشت ارزش شبه مقدس پیدا می‌کرد اما قرن بیستم با سقوط برادر بزرگ‌تر به پایان رسید و رویای جامعه تکامل‌یافته برابر، در گردوخاک فروپاشی قلعه سرخ گم شد. جان‌های زیاد و سرمایه‌های فراوانی هدر رفت و سوسیالیسم در این منطقه به مقصدی نرسید. حالا در نظم نوین خاورمیانه، دمکراسی با استبداد سنتی و مدرن در کشمکش است. پادشاهی سعودی و اقمارش تنها حکومت‌های مستبد قدیمی در این منطقه نیستند. کسانی که در خاورمیانه برای برقراری این مکتب سیاسی تلاش می‌کنند و جان و مال و هرچه که دارند را در راه آن فنا می‌کنند همیشه با این مفهوم روبرو هستند که دمکراسی یک آرمان برای خوشبختی نهایی است و زندگی بدون آن امکان ندارد. مبارزان سوسیالیست یک دهه قبل هم همین تصور را داشتند اما زمانی که به قدرت رسیدند بدترین جنایت‌ها را در حق خلق خود مرتکب شدند. همین عاقبت می‌تواند در انتظار هر اندیشه سیاسی دیگر هم باشد. «دمکراسی نمایندگی» که در آن هرکسی به‌اندازه یک رأی حق شرکت در انتخابات آزاد و تعیین نماینده سیاسی را داشته باشد تنها یک «روش ممکن و موجود» است نه یک «آرمان نجات‌بخش» و به‌خودی‌خود کمکی به بهبود شرایط زندگی و افزایش حس خوشبختی نخواهد کرد.

نگاهی به دلایل محبوبیت سریال شهرزاد:

بازمیشه این در، صبح میشه این شب صبر داشته باش!

۲۰۲

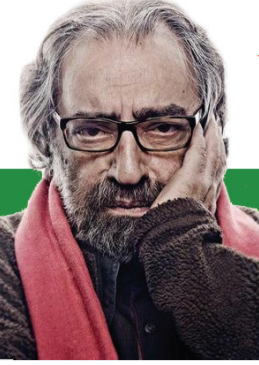


یادآوری

از تولد فروغ تا تولدی دیگر


فروغ الزمان فرخزاد در ۸ دی سال ۱۳۱۳ در تهران محله امیریه کوچه خادم آزاد چشم به باغ هستی و زندگی گشود. او در یک خانواده ۹ نفری بزرگ شد. رنج‌نامه غربت فروغ در خانواده برای هر آشنای نام او روشن است. ...

۲



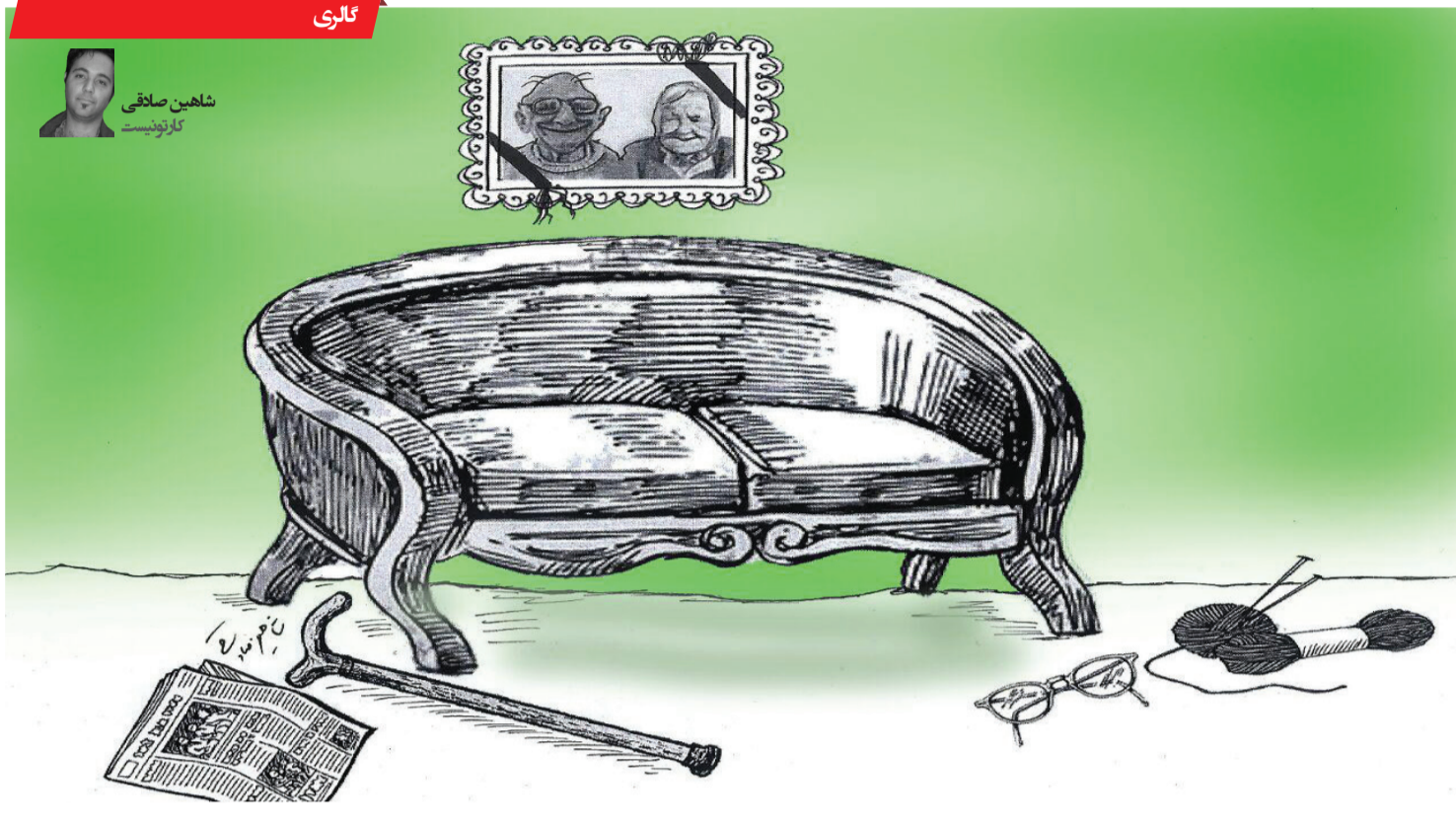
دستاورد

برند و برندسازی



احمد رحمت خواه
گروه مشاورین لئونوس

از برند و برندسازی سوء برداشت‌های فراوانی در حوزه تجارت شده است. برای برخی از افراد این معنا به اندازه‌ای پر رمز و راز است که آن را فقط برای مدیران اجرایی تحصیل کرده‌شکت‌های بزرگ، قابل فهم می‌دانند. برای برخی دیگر از افراد، برند و برندسازی کلماتی جدایی‌ناپذیر از دیگر جنبه‌های خاص بازاریابی مانند تبلیغات، لوگوها و شعارها هستند؛ اما عده دیگری نیز وجود دارند که برندسازی را یک تردستی پیچیده، تارک و رازآلود می‌انگارند که ترغیب کنندگان پنهان دنیای سرمایه‌داری دست به انجام آن می‌زنند. برند یکی از شاخه‌های تبلیغات نبوده، بلکه بسیار مهم‌تر از آن است. برند، یک نشان یا علامت صرف نیست و لزوماً نباید پیچیده یا رازآلود باشد. برند برای هر کسب‌وکاری یک امر جدید و مهم است و باید دارای جوهر و سادگی نیز باشد. برند درباره معنا است، به‌طور خلاصه برند همه آن چیزهایی است که مشتریان شما درباره محصولات، خدمات و یا سازمان‌ها شما فکر می‌کنند؛ احساس می‌کنند، می‌گویند، می‌شنوند، می‌بینند، تصور می‌کنند و حتی به آن امید می‌بندند. اما برند برای مشتریانی که تصمیم خرید دارند، به‌عنوان یک ابزار نیز عمل می‌کند. هنگامی که تصمیم به خرید کالایی می‌گیریم، این انتخاب را بر پایه عقل و منطق انجام نمی‌دهیم و یا حداقل اینکه کاملاً عقلانی رفتار نمی‌کنیم. آیا ما واقعاً وقت آن را داریم که تمام مشخصه‌ها و مزایای هر کالای موجود را با یکدیگر مقایسه کنیم؟ اطلاعات دیگری نظیر قیمت، ضمانت و پیشنهاد ویژه، هزینه حمل‌ونقل را فعلاً مدنظر نمی‌گیریم، واقعیت این است که ما وقت؛ حوصله و یا حتی ظرفیت پردازش اطلاعات برای اخذ منطقی این گونه تصمیمات پر گزینه و چالشی را نداریم؛ بنابراین، به‌جای آن، از نظامی از علائم و معانی که به آن «برند» می‌گویند، بهره می‌جوییم. اگر ما یک فروشگاه یا تولیدکننده را در نظام درونی خود به‌عنوان یک برند مورد اعتماد ثبت کرده باشیم که به ما کیفیت خدمت و ارزش می‌بخشد پس لازم نیست که اصلاً تصمیمات سخت را بگیریم، و البته درباره شعار این فروشگاه یا تولیدکننده، یک مطلب جالب نیز وجود دارد. وقتی ما به یک برند اعتماد داریم شعار آن را نیز باور می‌کنیم. تهیه یک لیست از برندهایی که همین ادعاها را می‌کنند، اما ما باورش‌شان نداریم، کار سختی نیست. در ابتدای مفاهیم برند، یک موضوع بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد و آن تعداد و اندازه است. ممکن است که یک برند، مشتریان محدود وفاداری داشته باشد. درواقع تعداد مطلق افرادی که آن را می‌شناسند باعث ساخته شدن یک برند نمی‌شود، بلکه عامل اصلی، وجود وحدت نسبی در آنچه مردم درباره آن می‌اندیشند، احساس می‌کنند و باور دارند است. اگر شما ۱۰۰ مشتری داشته باشید که در مجموعه‌ای از مفاهیم درباره کسب‌وکار شما اتفاق نظر داشته باشد، شما یک برند قوی هستید. اگر شما ۱۰/۰ مشتری داشته باشید که در مجموعه‌ای از مفاهیم درباره کسب‌وکار شما اتفاق نظر نداشته باشد، شما یک برند ضعیف هستید. این ده هزار نفر ممکن است این هفته یا این ماه از شما خرید کنند، اما اگر شما آن‌ها را درگیر برند خود نسازید (معنایی برای این افراد می‌آید. سپس برای بیان شادمانی راوی، شاعر تلاش می‌کند تا با رد فرض محال اما ممکن در گفت‌وگو پیش کشیده، فضا را همچنان به پیروزی و نشاط راوی رقم بزند.



مشاوره

دل‌تنگی

دل‌تنگی برای کسی تنگ است که آفتاب صداقت را به میهمانی گلهای باغ می‌آورد و گیسوان بلندش را به بادها می‌داد و دستهای سپیدش را به آب می‌بخشید دل‌تنگی برای کسی تنگ است که چشمهای قشنگش را به عمق آبی دریای واژگون می‌دوخت و شعرهای خوشی چون پرند ه‌ها می‌خواند

حمید مصدق

دیدگاه

موفقیت فردی و موفقیت ملی



ماهی محرابی
نویسنده

مردمان خودبین شاید نامی باشد که می‌توان بر ما نهاد. مردمانی که بر اساس مد یا استفاده از بلوتوث زندگی‌ها به باد می‌دهند، اول از یک چیز استفاده می‌کنند بعد به فکر آموختن شیوه استفاده آن چیز می‌افتند، مصرف‌کنندگان حرفه‌ای و تولیدکنندگان غیرحرفه‌ای هستند، کار را جوهر مرد دانسته ولی در ساعات کاری جدول حل می‌کنند، به بهانه باخت خفیف به آرژانتین در خیابان‌ها شادی می‌کنند، برای تشیع جنازه خواننده‌ای که حتی نامش را هم نشنیده‌اند تجمع چند صدها نفری بیا می‌کنند، برای جلوگیری از اعتیاد فرزندانشان به آن‌ها می‌گویند هر کاری می‌خواهی انجام دهی پیش خودم انجام بده... و در تمام این مدت تنها خودمان را می‌بینیم و فقط به خودمان فکر می‌کنیم. ما، من و شما، مردمان جالبی هستیم. اینکه می‌گوییم من و شما به این دلیل است که جامعه متشکل از افراد است و ما جزئی هستیم از همان افراد. نمی‌توان خود را از جامعه جدا کرده و جامعه را که به معنی دیگران غریبه پنداشته، مورد نکوهش قرار داده و خود با زستی روشنفکرانه با نگاهی عاقل اندر سفیه به آن‌ها بنگریم. کاری که در طول تاریخ بسیاری از روشنفکران و اندیشمندان این سرزمین انجام داده و در نتیجه به دلیل همین احساس جدا بودن از جامعه دچار نوعی بیگانگی شده و نتیجه این شده که نظاره‌گریم. شعور اجتماعی ما، یعنی آن آگاهی ذهنی معطوف به منافع مقرر مشترک اعضای جامعه، به‌گونه‌ای است که می‌دانیم، ولی به دانستن خود معرفت نداریم و آگاه نیستیم. به‌طور مثال می‌دانیم بازیکن فوتبال به دلیل تأثیر بیشتری که نسبت به یک فرد معمولی بر جامعه دارد طبیعتاً باید دستمزد بیشتری نسبت به یک فرد معمولی دریافت کند، اما به‌محض اینکه به درآمد یک ماه خود نگاهی می‌اندازیم فریاد را بالا می‌بریم که چرا فلان فوتبالیست فلان مقدار دستمزد دریافت می‌کند؟ طوری که اگر کسی نداند این گونه می‌پندارد که فوتبالیست بودن جایگاهی انتصابی است که صرفاً نیازمند جابه‌جایی عمودی آن‌هاست و پیش‌شرط‌های خاص تبعیض گونه بوده که به فرض ما را از رسیدن به آن منع کرده و دیگری را بر آن مسند قرار داده‌اند، و نکته جالب‌تر اینکه آخر همان روز برای همان فوتبالیست کف می‌زنیم، و وی را اسطوره می‌خوانیم. همین شعور اجتماعی به ما آموخته پیروز باشیم. همیشه پیروزیم ولی موفق نیستیم. در مسیری گام می‌نهیم که نه خوشبختی و شادی به همراه دارد و نه سلامت فیزیکی و روانی، دو هدفتی که تعریف صحیح موفقیت تنها رسیدن به آن‌هاست. اکثر ما در مسیری پیش می‌رویم که در انتها پیروز هستیم و برنده، ولی خبری از خوشبختی، سعادت، شادی، آسایش، آرامش و... نیست. کار می‌کنیم که منافع مالی مان تأمین شود، منافع مالی مان را تأمین می‌کنیم که بهتر کارکنیم و در این دوره تسلسل غرق شده و در نهایت خودمان هم فراموش می‌کنیم تالانمان در چه جهت و در راستای کدام هدف است، ولی همچنان تلاش می‌کنیم. مانند شخصی که نمی‌داند مقصد کجاست ولی همچنان با تمام تلاش در حال دویدن در جاده برای رسیدن است. برنده شدن قدرت به دنبال دارد و قدرت یا اعمال اراده خویش به دیگران نشنگی به همراه خواهد داشت که در هر سطح باعث مشغوف شدن انسان می‌گردد. حتی اگر این قدرت در محیط بسته یک تاکسی یا یک مغازه سنتی ادویه‌فروشی در یک شهر دورافتاده و کوچک اعمال شود. این نشنگی باینکه آرامش، خوشبختی و سلامت جسمی و روانی به همراه ندارد ولی به دلیل خصوصیت‌هایی که تمام نشنگی‌ها دارند، لذتی خبیث به دنبال دارد.

سخن روز

نقدی بر رستن باریشه‌های قالی

امیرحسین بریسانی روزنامه نگار

پس از وقوع حادثه بازگو می‌شوند، حاوی اطلاعاتی کلی و روایت‌هایی جسته‌گریخته‌اند و گویی شعر از ارائه ابعادی مختلف پرهیز کرده و خاطراتی را با نشانه‌گذاری‌های شخصی ارائه می‌کند. راجع فضای کلی کتاب به مونولوگ های شاعر اشاره شد. برای پیگیری این محث و نقد کلیت اثر، فارغ از اشارات تطبیقی اشعار، می‌باید ادعان داشت که مرادی در رستن باریشه‌های قالی به بیان تصویری می‌اندیشد. تصاویری که جز پوسته ظاهری را آشکار نمی‌کنند و نویدبخش حضور ابهاماتی بیان‌نشده را نمی‌دهند و بدین جهت مخاطب را دعوت به کنکاش در اثر نمی‌کنند. تصاویر سطحی، گرچه زیبایی‌اند اما با بازخوانی کمرنگ شده و فراموش می‌شوند. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، شاعر پس از دریافت معنا که بافت کلی کتاب، رهیافتی به درک از مفاهیم نهفته در دست‌مایه‌های سنتی ایرانی در خود موجود نداشته و نام‌گذاری اساساً در جهت معرفی فضای حاکم بر اثر نیست. فضای حاکم بر کتاب، مونولوگ های راوی از تجربیات شاعرانه خویش است. مونولوگ هایی که چون

